ادامه از صفحه اول

راهبرد نافرجام

این پیشنهادها شامل دائمی‌کردن محدودیت‌های موقتی مندرج در برجام، ممانعت از کاهش زمان گریز هسته‌ای به زیر یک سال، مقابله با برنامه موشکی ایران و تقویت آژانس برای راستی‌آزمایی برجام بود.

پیشنهادهای بالا هیچ‌کدام جدید نبوده که این دولت آنها را کشف کرده باشد بلکه همه آنها در مذاکرات مطرح شد و ماه‌ها و سال‌ها درباره آنها بحث شده و نهایتا تفاهم هسته‌ای در قالب برجام مورد قبول ۱+۵ قرار گرفته و در شورای امنیت سازمان ملل با اجماع تصویب شده است. اکنون آمریکا می‌گوید ایرانیان در مذاکرات باهوش‌تر بودند و با پذیرش محدودیت‌های موقتی به امتیازات دائمی دست یافته‌اند. ترامپ، برجام را بدترین سند مذاکره‌شده به‌وسیله آمریکا قلمداد می‌کند و در اولین سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل آن را مایه شرمساری آمریکا خطاب کرد. اما جامعه جهانی برجام را نمونه بارز موفقیت دیپلماسی در برابر تحریم و تهدید و جنگ تلقی می‌کند. بنابراین خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام مایه شرمساری است نه پایبندی به آن.

اکنون آمریکا از پایبندی ایران به برجام به‌شدت عصبانی است و آرزو می‌کند کاش ایران بندهایی از برجام را نقض کرده بود تا آمریکا امروز این‌چنین در نظام بین‌الملل تنها و منزوی نباشد. برای سال‌ها تبلیغ می‌شد که ایران به برجام پایبند نخواهد بود و پنهان و آشکار عهدشکنی خواهد کرد. هشت گزارش آژانس در تأیید پایبندی ایران عملا دهان آمریکا را بسته است. آمریکا برای فرار از این موقعیت مدعی شده ایران روح برجام را رعایت نکرده است. آمریکا با تردستی برای روح برجام دلسوزی می‌کند تا اصل برجام را نابود کند.

براساس تعبیر خودسرانه آنها، روح برجام کمک به صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای است. بر فرض درستی این تعبیر، همین ادعا هم پوچ و توخالی است. به‌دلیل آنکه اکنون منطقه نسبت به سه سال پیش، از ثبات و امنیت بیشتری برخوردار است و وضعیت سوریه و عراق و لبنان در مقابله با داعش با گذشته قابل مقایسه نیست. درباره یمن هم اگر آمریکا فروش صدها میلیارد تسلیحات «زیبا» را به یمن متوقف کند و سعودی را از بمباران یمن بازدارد این کشور جنگ‌زده، قحطی‌زده و وبازده هم روی آرامش می‌بیند. برخلاف تعبیرات ناروا و تشبهات نابجا، از ابتدا برجام محدود به برنامه هسته‌ای بود و هیچ‌کدام از موضوعات منطقه‌ای و دفاعی و موشکی ایران مورد بحث نبود. آمریکا درباره برنامه موشکی ایران می‌خواهد نظر خود را جایگزین نظر شورای امنیت کند. موضوع موشکی ایران بارها در شورای امنیت مطرح شده و تعدادی از اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت به‌صراحت اعلام کرده‌اند با نظر آمریکا نسبت به اینکه ایران در موضوع موشکی مفاد قطع‌نامه ۲۲۳۱ را رعایت نکرده، موافقت ندارند. نماینده دائم آمریکا به‌صراحت می‌گوید ما در شورای امنیت می‌خواهیم ایران را تحریم کنیم ولی چند کشور در مقابل ما صف‌آرایی می‌کنند. امروز این آمریکاست که با مکر و تکبر و طرح موارد نامربوط به برجام در پی ضربه‌زدن به برجام است. آمریکا در تحلیل نهایی می‌گوید ایران با اجرای برجام از موقعیت خوب بین‌المللی برخوردار شده، روابط اقتصادی و تجاری‌اش با جهان در حال گسترش است و برنامه‌های هسته‌ای و دفاعی خود را پیش می‌برد و نقش مهمی در تحولات منطقه‌ای ایفا می‌کند. آنها از نگاه راهبردی توازن قوا در منطقه را به‌نفع ایران می‌بینند و نمی‌توانند شاهد پیشرفت، استقلال، هوشمندی و عزت مردم ایران باشند. آمریکا با یک‌جانبه‌گرایی و یکه‌تازی و متهم‌کردن ایران نمی‌تواند بر سیاست‌های شکست‌خورده خود سرپوش بگذارد و اقدام‌های غلط خود و متحدانش را توجیه کند.

هدف آمریکا توجیه شکست سیاست‌های منطقه‌ای خود و قدرت‌نمایی برای سرپوش‌گذاشتن بر ترس و ضعف هم‌پیمانان خویش در منطقه بود. لابی پرهزینه صهیونی-سعودی در واشنگتن مرتب در شیپور ایران‌هراسی و ایران‌ستیزی می‌دمد تا ایران را تنها مشکل منطقه معرفی کند. دولت ترامپ متحدانش را بازنده تحولات منطقه‌ای می‌بیند و برای جبران سیاست‌های خسارت‌بار و خانمان‌سوز خود به‌دنبال توجیه و بهانه است. حال آنکه پایبندی همه طرف‌ها به برجام و فهم درست شرایط منطقه‌ای است که به صلح و ثبات کمک می‌کند. ایران به ثبات و صلح در منطقه کمک کرده است و مبارزه با تروریسم کور تکفیری را ادامه می‌دهد. استراتژی کلان آمریکا بدون درنظرگرفتن این واقعیت‌ها از آغاز محکوم به شکست است.

***نماینده دائم ایران در سازمان ملل**

آمارها شکنجه می‌شوند

این یک برش است از آنچه در استخراج داده‌های بانکی روی می‌دهد. تعمیم‌دادن این اتفاق به تمام آمارها صحیح نیست و ما نیز چنین قصدی نداریم؛ بااین‌حال، برخی از آمارها را باید با پس‌وپیش‌زمینه آنها در نظر گرفت و شرایط رسیدن به آنها زمینه را تحلیل کرد؛ اما اگر تنها و تنها در همین یک قلم هم شکنجه آمارها اتفاق بیفتد، با توجه به اینکه این بخش به خودی خود زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های بسیار کلیدی و بزرگ در اقتصاد کشور است، به‌جرئت می‌توان گفت قسمت بزرگی از اقتصاد با کُدهای اشتباه این بخش به بیراهه رفته می‌رود.

politics@sharghdaily.ir

صلاح العاروری، معاون رئیس دفتر سیاسی حماس، در گفت‌وگو با «شرق»:

علیه ایران هرگز کاری نمی‌کنیم

لیلا ابراهیمیان

عکس: عباس کوثری، شرق

«اختلاف با ایران به تاریخ پیوست»؛ این را «سامی ابوزهری» یکی از فرماندهان جنبش حماس می‌گوید. ظهر روز جمعه بیست‌وهشتم مهر، هیئتی بلندپایه از رهبران «حماس» به ریاست «صلاح عاروری»، نایب‌رئیس دفتر سیاسی این جنبش، وارد تهران شد. دیدار با مقامات بلندپایه ایرانی، گزارش از آخرین وضعیت سرزمین‌های اشغالی و تحولات آشتی ملی فلسطین از اهداف اصلی این هیئت است. حماس دنبال ترمیم روابط خود با تهران است و این گفته یکی از اعضای هیئت همراه، نشان از این دارد که آنها به اهداف خود در این سفر رسیده‌اند. ۹ روز قبل، ۱۲ اکتبر ۲۰۱۷ (بیستم مهر ۱۳۹۶)، گروه‌های فلسطینی «فتح» به رهبری «محمود عباس» و حماس به رهبری «اسماعیل هنیه»، پس از یک دهه اختلاف توافق‌نامه‌ای را برای ایجاد رهبری واحد فلسطینی‌های ساکن در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه امضا کردند. بر اساس این توافق‌نامه که در مصر به امضا رسید، تشکیلات خودگردان فلسطین تا اول دسامبر (۱۰ آذر) کنترل کامل نوار غزه را در دست خواهد گرفت. یک سال بعد از پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۷، مأموران تشکیلات خودگردان، از نوار غزه اخراج شدند و این بخش از سرزمین‌های فلسطینی تحت کنترل حماس قرار گرفت. حالا آنها می‌خواهند به اختلاف‌های ۱۰ساله میان خود پایان دهند. قرار است حماس کنترل اداره غزه ازجمله گذرگاه «رفح» با مصر و دیگر گذرگاه‌های مرزی با اسرائیل را به تشکیلات خودگردان به رهبری محمود عباس بسپارد. همچنین سه هزار نیروی امنیتی تشکیلات خودگردان به پلیس غزه ملحق شوند. طبق این توافق، حماس با حدود ۲۵ هزار نظامی مسلح، همچنان کنترل نظامی- امنیتی خود را بر نوار غزه حفظ خواهد کرد. جنبش مقاومت اسلامی «حرکه المقاومه الاسلامیه» یا حماس در سال ۱۹۸۷ به رهبری «عبدالعزیز رنتیسی»، «شیخ احمد یاسین» و «محمد طه»، در جریان انتفاضه اول به‌عنوان شاخه فلسطینی اخوان‌المسلمین تأسیس شد . آنها هدف خود را «آزادی تمام خاک فلسطین» اعلام کردند و پیمان «اسلو» ۱ و ۲ را که در سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ امضا شده است، قبول ندارند.

رابطه تهران و حماس فرازوفرود زیادی را پشت سر گذاشته است؛ از فصل سرد روابط تا حمایت‌هایی که ایران بارها از آنها داشته است؛ اما شروع جنبش عربی، بر روابط ایران و حماس سایه انداخت تا اینکه محمد مرسی، در سال ۲۰۱۱ با سقوط حسنی مبارک به قدرت رسید. با روی‌کارآمدن اخوان‌المسلمین در مصر، حماس هم جان تازه‌ای گرفت؛ - قبلا مبارک جنبش حماس را «مضحک» خوانده بود- اما پیروزی مرسی چندان دوام نیاورد و حماس هم‌زمان دو حامی اصلی خود، یعنی ایران و مصر را از دست داد. پس از کنارزده‌شدن حکومت اخوان‌المسلمین، خشونت‌ها در مصر گسترش یافت و صدها نفر ازجمله نظامیان مصری کشته و زخمی شدند و به اموال عمومی خسارت‌های زیادی وارد شد. در پی این رویدادها، دادستانی مصر حماس را به مشارکت با نیروهای اخوان‌المسلمین برای برنامه‌ریزی‌های تروریستی متهم کرد. در اواخر ژانویه و اوایل فوریه ۲۰۱۵ دادگاهی در مصر، شاخه نظامی جنبش فلسطینی حماس را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد و آن را تحریم کرد. این حکم اولین حکم یک کشور عربی یا اسلامی بود که در آن گردان‌های عزالدین قسام تروریستی نامیده شدند. در پی این حکم، هر نوع فعالیت شاخه نظامی حماس در مصر ممنوع شد.

روابط ایران با حماس بار دیگر با شروع تحولات سوریه به سردی گرایید. شاخه سیاسی حماس در سال ۱۹۹۹ میلادی از اردن به سوریه منتقل شد. خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی حماس، آن سال دفتر سیاسی حماس را در دمشق مستقر کرد. این رابطه دوستی تا زمان جنگ داخلی در سوریه ادامه داشت؛ ولی حماس با حمایت از اعتراضات ضددولتی در سوریه، بشار اسد را خشمگین کرد. در نهایت رابطه حماس با سوریه و در نتیجه رابطه حماس با تهران تیره شد. همان زمان «موسی ابومرزوق» گفته بود: «ایران از موضع ما نسبت به سوریه خشنود نیست و نارضایتی آنها به معنای آن است که مقامات این کشور نمی‌توانند مانند گذشته با ما مراوده کنند». تا اینکه روز چهارشنبه، ۱۷ آبان ۱۳۹۱(۷ نوامبر ۲۰۱۲)، دفاتر این جنبش در دمشق تعطیل شد و «ایمن طه»، سخنگوی حماس، این خبر را تأیید کرد. حماس روزهای دشواری را پشت سر گذاشته است؛ آنها از دمشق به «دوحه»، پایتخت قطر و از آنجا به ترکیه رانده شدند. آنها از سال ۲۰۰۸ سه بار با اسرائیل جنگیده‌اند تا اینکه توانستند بعد از مدت‌ها، با فتح پیمان اتحادی امضا کنند. اسرائیل درباره این تصمیم فتح و حماس گفته است هر توافقی را که بر اساس آن حماس خلع‌سلاح نشده و روابط خود را با ایران قطع نکرده باشد، نخواهد پذیرفت. شاید یکی از پیام‌های سفر عاروری به ایران، رد این شروط برای قطع روابط با ایران باشد. حالا هیئت عالی‌رتبه حماس که ۹ روز بعد از امضای پیمان اتحاد آنها با فتح به تهران آمده است، می‌گویند: «اختلاف با ایران به تاریخ پیوسته است» و می‌خواهند روابط دیگری با ایران شروع کنند. صلاح عاروری هم در گفت‌وگو با «شرق» به هم‌پیمانی استراتژیک با ایران تأکید دارد.

یکی از اعضای هیئت حماس در تهران، در روزهای اخیر گفته است «اختلاف با تهران به تاریخ پیوسته است»؛ شما چگونه به چنین اطمینانی از آینده روابط ایران و حماس رسیده‌اید؟

ما آمده‌ایم تا نشان دهیم اختلافات به تاریخ پیوسته است. ما (تهران و حماس) با همدیگر از اساس توافق کرده‌ایم که اجازه ندهیم هیچ‌گونه اختلافی بر روابط دوجانبه ما اثر منفی بگذارد تا بتوانیم این موانع را پشت سر بگذاریم.

چه‌بسا ما نقطه نظرات متفاوتی درباره مسائل گوناگون با ایران داشته باشیم ولی نباید بگذاریم این اختلاف‌نظر، به همکاری دوجانبه ما لطمه بزند. ما توافق کرده‌ایم که مصلحت بزرگ ملت فلسطین و جمهوری اسلامی ایران در اولویت نخست هر دوی ما باشد و بر این اساس مسائل خود را پیش می‌بریم.

بارها روابط ایران و حماس به سردی گراییده است؛ آیا ممکن است بار دیگر این روابط شکننده شود؟

ما تلاش می‌کنیم که چنین نباشد و این اتفاق‌ها تکرار نشود. ما در مرحله توافق‌های متعدد و همکاری‌های متنوع درباره موضوعات موردعلاقه طرفین و دقیقا موضوع فلسطین هستیم. البته اختلاف نظر بین متحدان و دوستان امری طبیعی است. مهم این است که با وجود این اختلافات در مسائلی که از قبل توافق کرده و تفاهم داشته‌اند، به همکاری‌شان ادامه دهند. ما با برادران جمهوری اسلامی ایران درباره مسائل فلسطین توافق داریم. ما در این مسئله به آنها کمک می‌کنیم؛ زیرا فلسطین مسئله آنهاست و آنها هم طبیعتا در این مسیر به ما کمک می‌کنند؛ چون مسئله ما و مسئله زندگی و مرگ ماست.

افکار عمومی می‌پرسند چه تضمینی وجود دارد که بار دیگر حماس گروه دیگری مانند عربستان سعودی یا کشور دیگری را به تهران ترجیح ندهد؟

اولا ما امیدواریم اختلاف ایران با عربستان حل شود؛ دوم اینکه ما دخالتی در نزاعات بین دولت‌های منطقه یا اختلافاتی که با هم دارند، نخواهیم کرد. کار و وظیفه ما این است که فقط از مسئله فلسطین دفاع و بقیه را هم در این مسیر هدایت کنیم. سوم اینکه رابطه ما با هرکدام از این دولت‌ها به ضرر دولت دیگری نخواهد بود. رابطه ما با ایران به ضرر هیچ دولت دیگری ازجمله ترکیه، مصر، عربستان یا... نیست. رابطه ما با ترکیه، مصر یا قطر هم به ضرر هیچ دولت دیگری از جمله ایران نیست. هرکدام از این ملت‌ها یا دولت‌ها که از مسئله ما و ملت ما حمایت کنند، ما از آنها استقبال خواهیم کرد و ما هرگز از این دولت به ضرر آن یکی جانبداری نخواهیم کرد. ما از هیچ کشوری این مسئله را نمی‌پذیریم که برای ما پیش‌شرط بگذارند و بگویند نباید با فلان کشور ارتباط داشته باشید یا با فلان کشور قطع رابطه کنید.

آقای عاروری! در فارسی می‌گویند «آزموده را آزمودن خطاست»؛ حماس بارها در تاریخ روابط خود به ایران پشت کرده است؛ آیا ممکن است بار دیگر چنین اتفاقی بیفتد و حماس بدعهدی کند؟

ما در جنبش حماس، نه در سطوح پایین و نه در سطح رهبری هرگز قدمی علیه ایران برنداشته‌ایم و برای برهم‌خوردن رابطه، کاری انجام نداده‌ایم. اگر هم اتفاقی خلاف این نکته افتاده است یا افرادی برای خودشان رفتار دیگری داشته‌اند، این را هرگز به حساب کل جنبش نگذارید و موضع کل جنبش حماس این نبوده است. ما همیشه گفته‌ایم که با وجود اختلاف نظری که با ایران داشته یا داریم، در منازعات بین کشورها، هیچ دخالتی نمی‌کنیم. این اتهامی که گفته می‌شود ما به مواضعی علیه ایران کشیده شدیم، کلا دروغ است و ما علیه ایران هرگز کاری انجام نداده و نخواهیم داد.

> **ما در جنبش حماس، نه در سطوح پایین و نه در سطح رهبری هرگز قدمی علیه ایران برنداشته‌ایم و برای برهم‌خوردن رابطه، کاری انجام نداده‌ایم. اگر هم اتفاقی خلاف این نکته افتاده است یا افرادی برای خودشان رفتار دیگری داشته‌اند، این را هرگز به حساب کل جنبش نگذارید و موضع کل جنبش حماس این نبوده است**

رابطه حماس و فتح با یکدیگر در شرایط امروز چگونه تعریف می‌شود و این اتحاد چه تأثیری بر رابطه آنها با ایران خواهد گذاشت؟

شکافی که بین ملت فلسطین به وجود آمده بود، مورد قبول ما نیست. ما هرگز خواستار آن شکاف نبودیم؛ بلکه برعکس می‌خواستیم اختلاف بین حماس و فتح برطرف شود. برای ازبین‌بردن این شکاف، با خواسته‌های فتح کنار و از خیلی از مواضع خودمان کوتاه آمدیم. برای حفظ این وحدت هرکاری که لازم بود انجام دادیم تا اختلاف‌ها برطرف شود. ازجمله در سال ۲۰۱۴ آقای اسماعیل هنیه نخست‌وزیر وقت فلسطین برای برطرف‌کردن همین اختلافات و تحقق آشتی ملی استعفا داد؛ هر بار کسی برای ازبین‌بردن این اتحاد و ایجاد شکاف بیشتر تلاش کرد، اما ما به اتحاد پاسخ مثبت دادیم. توافق اخیری هم که در مصر بین فتح و حماس به دست آمد، برای این بود که مسئله فلسطین در معرض خطر قرار گرفته بود. در کرانه باختری و غزه دیدیم که اشغالگران در کرانه باختری حاضر هستند و قدرت گرفته‌اند و مقدسات مسلمانان در معرض خطر قرار گرفته است. در غزه هم محاصره اقتصادی ادامه داشت و خطرهایی برای ما و برادرانمان در فتح وجود داشت. دفع این خطرات ما را به این واداشت تا به سمت یکپارچه‌کردن صفوف خودمان حرکت کنیم. بنابراین ما توافق کردیم که وضعیت کنونی فلسطین زیر نظر یک دولت واحد مدیریت شود تا مدیریتی واحد مسائل مردم و اوضاع معیشتی آنها را اداره کند. ما در آینده هم گفت‌وگوهایی با یکدیگر خواهیم داشت. بعد قرار است با سایر گروه‌های فلسطینی یعنی همه گروه‌ها در مصر گفت‌وگوهایی را درباره بقیه مسائل ادامه دهیم تا روند هم‌پیمانی و اتحاد تکمیل شود. مثل انتخابات مجلس قانون‌گذاری، انتخابات ریاست‌جمهوری، تشکیل دولت وفاق ملی و همه این مسائل را در آن نشست مورد بررسی قرار خواهیم داد. اما اینکه این چه تأثیری بر روابط ما با ایران داشته است، باید بگویم با همه برادرانی که در ایران دیدار کردیم، همه به اتفاق از این توافق حمایت کردند؛ همه خوشحال بودند که شکاف بین فلسطینی‌ها و گروه‌های فلسطینی برداشته شده است. جمهوری اسلامی ایران همیشه بر وحدت ملت ما و خاتمه‌دادن به این شکاف‌ها و یکپارچگی فلسطین در مقابل اهداف مقاومت تأکید کرده است.

با توجه به اختلاف‌نظر و اختلاف راهبردی که فتح و حماس با یکدیگر دارند و با توجه به تهدیدهای اسرائیل و آمریکا علیه حماس، چقدر ممکن است اتحاد بین شما پابرجا بماند؟

متأسفانه در گذشته ما (فتح و حماس) بارها با یکدیگر توافقاتی انجام داده‌ایم، اما به سرانجام نرسیده است. برای همین نمی‌توانیم به صورت صددرصد دراین‌باره و آینده این توافق صحبت کنیم، اما ما تصمیم جدی داریم که به تلاش خودمان برای توافق ادامه دهیم. شکست‌های گذشته ما را بر آن نمی‌دارد که از ادامه تلاش برای همکاری و اتحاد دست بکشیم. ما به‌دفعات درباره توافق برای اتحاد شکست خورده‌ایم، اما تلاش خودمان را برای ادامه خواهیم داشت.

در شروع تحولات سوریه، رابطه حماس با آنها به‌هم خورد و دفتر سیاسی حماس در دمشق تعطیل شد. الان روابط حماس و دمشق در چه مسیری پیش می‌رود؟

ما با سوریه رابطه‌ای نداریم، زیرا سوریه درگیر جنگ است و ما آرزو می‌کنیم که این جنگ هرچه‌زودتر تمام شود و این کشور به صلح و امنیت برسد.

سوریه کشور عزیزی برای ماست، اما به دلیل وجود این جنگ و شرایط حاکم بر آن کشور، ما در آنجا نیستیم و رابطه‌ای هم با سوریه نداریم، اما ما با عربستان رابطه خوبی داریم. تاریخ روابط حماس و عربستان نشان داده است که این رابطه فرازوفرودهایی داشته است. ما هم دوست داریم که با عربستان رابطه خوب و حسنه‌ای داشته باشیم که در خدمت آرمان مردم فلسطین باشد.

چه آینده‌ای را برای رابطه با سوریه متصور هستید، با توجه به اینکه بحران در سوریه همیشگی نخواهد بود؟

من باید به صراحت بگویم که رابطه ما با ایران و حزب‌الله ارتباطی به این موارد نداشته و ندارد که مثلا با سوریه رابطه داشته باشیم یا نه؟ رابطه ما با حزب‌الله و ایران صرفا مبتنی‌بر مسئله مقاومت فلسطین است. باید تأکید کنم که رابطه ما با سوریه به این دلیل قطع شد که این کشور درگیر جنگ بود و این جنگ در خیابان‌ها، کوچه‌ها و شهرهای سوریه جریان داشت. در این شرایط ما خودمان را از صحنه جنگ دور کردیم تا بخشی از این منازعه نباشیم. ما موضعی جانبدارانه به نفع هیچ‌کدام از طرفین نمی‌گیریم و نگرفته‌ایم. در مسئله سوریه هم چنین بود.

وقتی منطقه بحرانی شد، حماس که مدام از حمایت‌های ایران بهره می‌برد، همراه خوبی نبود و ایران را تنها گذاشت. چگونه تهران بار دیگر باید به شما اعتماد کند؟

کسی از ما نخواسته که برای همکاری، باید ما در منازعات منطقه طرف کسی یا گروهی و دولتی باشیم. نه در گذشته، نه امروز و نه در آینده هرگز چنین مسئله‌ای در میان نبوده و نخواهد بود. برادران ایرانی نیز از ما نخواسته‌اند که در جنگ به نفع آنها یا به نفع مواضع آنها در منطقه مشارکت داشته باشیم. ما جزء محورهای منازعه منطقه‌ای نخواهیم بود که یک روز با این محور و روز دیگر با آن محور متحد باشیم. گروه‌های فلسطینی که قبلا وارد این منازعات شده بودند، عمل آنها در نهایت به ضرر مسئله فلسطین تمام شده است. ما این تجربیات تلخ را دوباره تکرار نمی‌کنیم. آیا آنها از ما می‌خواهند که مسئله اصلی خودمان را که مقاومت است رها کنیم و به جنگ‌های دیگر بپردازیم؟ ما بخشی از منازعات طرف‌ها نخواهیم شد. ما یک کشور مستقل نیستیم که با طرف‌هایی هم‌پیمان باشیم و در منازعات دخالت کنیم، بلکه ما یک جنبش ضداشغالگری هستیم که در خاک فلسطین زندگی می‌کنیم.

ما نمی‌توانیم وارد مناطق دیگری بشویم.

یعنی هم‌پیمانی حماس با تهران تاکتیکی است نه استراتژی؟

این گفته درست نیست. رابطه ما با تهران استراتژیکی است. ما توافق کرده‌ایم. ایران دفاع از آرمان فلسطین را مسئله نخست خودش می‌داند. وقتی مسئله‌ای برای هردو ما اهمیت داشته باشد، روابط ما استراتژیک خواهد بود، نه تاکتیکی.

ادامه از صفحه ۲

چرا به روحانی رأی دادیم

اصلاح‌طلبان امروز هم جزء معتدلان هستند، اینها غیر از تندروهایی هستند که اصل نظام را قبول نداشتند. این آخرین آرایش کشور است. البته اینها روش است، ایدئولوژی نیست.

اصلاح‌طلبان چه کنند

در آخرین بحث خود درباره اینکه اصلاح‌طلبان در شرایط فعلی چه باید بکنند، گفت: اولین توصیه من این است که آنها (اصلاح‌طلبان) سازمان خود را تقویت کنند؛ چگونه؟ یعنی احزاب سعی کنند روز به روز تشکیلات خود را تقویت و خود را به تشکل واقعی تبدیل کنند. این ۲۰، ۳۰ حزب، به معنای واقعی حزب نیستند. من ندا را یک تشکل می‌دانم؛ اما ضعیف هستند. اتحاد و کارگزاران و اعتمادملی و... تشکل هستند؛ اما حزب قوی نیستند و تا رسیدن به آن کار زیادی دارند تا جبهه اصلاحات را به جبهه نیرومندی تبدیل کنند. بنابراین چه‌بسا برخی از این احزاب بهتر باشد باهم ادغام شوند. چه‌بسا خیلی از این احزاب فرقشان با بقیه مشخص نیست. بهتر است ادغام شوند و یک تشکل نیرومند ایجاد کنند. در شرایط فعلی، شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان که نماینده ۲۵ حزب و اشخاص حقیقی است، تشکل نیرومندی است که باید بتواند جای شخصیت‌های حقیقی را بگیرد و این کارِ امروز و یک هفته نیست.

او ادامه داد: تشکل‌ها باید بتوانند موقعیت بهتری پیدا کرده و توانایی تأثیرگذاری در فضای سیاسی را پیدا کنند و به همان میزان بتوانند جای اشخاص حقیقی را بگیرند. مثلا کدام‌یک از این احزاب به اندازه «تکرار می‌کنم» می‌توانند جای این شخصیت حقیقی را بگیرند؟ نمی‌توانند. بنابراین باید هم تشکل‌ها و هم احزاب تقویت شوند. حتی شنیدم شورای عالی در حال بررسی برگزاری کنگره سراسری است تا اشخاص حقیقی در کنگره انتخاب شوند. دومین حرکت این است که بین این جریان با جناح‌های معتدل و اصولگرا و مستقل، تعامل بیشتری برقرار شده و شکل رسمی‌تر به خود بگیرد؛ یعنی سعی کنند یک جبهه ائتلافی از اصولگرایان معتدل، مستقلان عاقل و اصلاح‌طلب شکل بدهند. این به معنی ازبین‌رفتن اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نیست.

۱۵ میلیون رأی رئیسی کم نیست

در همین جا، اشاره کرد به میزان آرای رئیسی و گفت: ۱۵ میلیون رأی رئیسی رأی کمی نیست. آقای رئیسی که شناخته‌شده نبود؛ این رأی را جریان اقلیتی ایجاد کرد که قدرت سازماندهی و بسیج زیادی دارد به اندازه صد حزب اصلاح‌طلب. آنها این رأی را با کار تشکیلاتی به دست آوردند، نه فقط با وعده. البته وعده هم شرط است؛ ولی کار تشکیلاتی هم خیلی مهم است. من شنیدم در این انتخابات در تک‌تک روستاها درباره سند ۲۰۳۰ صحبت شده بوده و همین توانسته بود موضع عده‌ای را تغییر دهد.

او ادامه داد: ممکن است اصلاح‌طلبان فکر کنند رأی مردم را دارند یا به عبارت درست‌تر داشتند؛ چون نمی‌دانم این روند تداوم می‌یابد یا نه؛ مثل خرداد ۷۶ و اصلاحات که به شکل واقعی تغییر کرد. بنابراین اگر مردم رأی دادند، معلوم نیست این روند تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند. به همین دلیل، تشکیل ائتلاف بزرگ‌تری از اعتدال و جبهه اعتدال، مفید و لازم برای ادامه کار است.

عدم تقابل با تندروها

او در ادامه آخرین راهکار اصلاحات را مقابله‌نکردن با تندورها عنوان کرد و گفت: جامعه ما طاقت آن مدل جنگ‌ها و جدل‌ها را ندارد (اشاره به زمان اصلاحات و ۷۶)؛ این به معنی عبور از حرف‌ها (احتمالا شعارها) نیست. ما باید یکدیگر را به رسمیت بشناسیم و یکدیگر را نوکر اجنبی ندانیم. در عین اینکه رقابت می‌کنیم، تعامل هم داشته باشیم. طوری نباید باشد که تنش‌های داخلی به کشور که از نظر اقتصادی و موقعیت خارجی گرفتاری زیادی دارد، لطمه بزنند. روحانی اگر مشکل تنش داخلی نداشت، بهتر می‌توانست از نتایج برجام استفاده کند. ما نباید با جناح تندرو کشور تنش داشته باشیم. از این جریان در همین حد که دموکراسی را در حد انتخابات ۹۶ قبول کرد، قبول کنیم تا کشور فضای آرام‌تری را تجربه کرده و مشکلات حل شود. جلسه که تمام شد، با همان قامت لاغر و خمیده در حلقه‌ای از جمعیت گرفتار آمد؛ بااین‌حال باحوصله به ادامه صحبت‌ها توجه کرد. در همین مسیر از پله‌های دفتر حزب بالا رفت و خود را به نمازخانه رساند تا نماز اول‌وقتش را بخواند.